



روایت شهید سید رضی موسوی از لحظات قبل از شهادت حاج قاسم؛

لحظات سخت اما معنوی پایانی

هنگامی که «مصطفی شوقی» برای ساخت مستند خودش درباره شهادت حاج قاسم سلیمانی سراغ یاران او می‌رفت؛ یکی از بهترین مصاحبه‌ها مربوط به سید رضی موسوی بود. او وقتی از سید پرسیده بود «چند سال است که سوریه هستید؟» پاسخ شنیده بود: «از سال ۶۳ اینجا هستم. حاجی می‌گفت که سید رضی تو تاریخ سوریه و لبنان هستی.» برش‌هایی از این گفت‌وگو در مستند «۷۲ ساعت» آمد و بخش‌های زیادی از آن منتشر نشد. اینک که خود سید رضی میهمان دوستان شهیدش است، فرازهای مفصل‌تری از روایت او درباره شهید سلیمانی را برای این ویژه‌نامه پیاده کرده و به لطف آقای شوقی پیش روی شما قرار دادیم. ... برای من واقعاً سخت است صحبت کردن. من نه اهل مصاحبه هستم، نه اهل تلویزیون و این برنامه‌ها. ولی در هر صورت از علاقه‌ای که به حاجی داشتم و واقعاً ایشان را دوست داشتم و احساس می‌کنم خیلی از چیزهایی که یا خودش نگفت یا واقعاً شرایطش نبود، روی زمین مانده و باید گفته شود. در هر صورت برنامه از اینجا شروع می‌شود که ما در فرودگاه بودیم و منتظر بودیم که آقای ابوحامد تشریف بیاورند. هوا تاریک شده بود. حوالی ساعت ۶ بعد از ظهر به بعد روز سه‌شنبه بود. پرواز نشست و آمد چسبید به فینگر. من پایین پله ایستاده بودم. با دو تا ماشین هم رفته بودیم که اگر میهمان زیادتری آمد، استقبال کنیم.

